



MfJ

Medical Fighh Journal

2024; 16(46): e3



Analyzing the verdict of voluntary active euthanasia in Shafi'i jurisprudence

Salem Afsari^{1*}, Seyed Karam Mahmuodi²

1. Assistant professor, Department of Shafi'i jurisprudence, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran.

2. Masters of Department of Shafi'i jurisprudence, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: In this world, the tradition and law of life and death is such that people may get diseases during their lifetime for some of which there is medicine and treatment, but for some others that are incurable, despite the progress of medical science, medicine is not discovered. Accordingly, in some western societies, in the case of patients who are desperate to recover, a relative or a doctor or a nurse kills them with their permission under the illusion of compassion. This action is known as euthanasia or killing out of compassion and it has six types: 1- Voluntary active euthanasia; 2- Involuntary active euthanasia; 3- Forced active euthanasia; 4- passive euthanasia; 5- Indirect euthanasia; 6- Assisted suicide. Since the study of each of these types of euthanasia requires an independent research, and considering that active voluntary euthanasia is one of the examples of murder, in this research Shafi'i jurists' views regarding the ruling and its consequences in terms of proving or not proving retribution, blood money, expiation for murder and Ta'zir have been studied.

Materials and Methods: Since this research is in the field of human sciences and jurisprudence issues, the collection of data has been done using a library method and a descriptive-analytical approach. First the concept of voluntary active euthanasia has been described and explained from reliable sources and records, and then its verdict and effects have been analyzed based on Shafi'i rules and opinions.

Conclusion: By summarizing Shafi'i jurists' opinions and reasons, it becomes clear that preferred view implies the fall of retribution and blood money in voluntary active euthanasia, but they consider the atonement of murder and Ta'zir to be fixed in it.

Keywords: Active euthanasia, Voluntarily, Shafi'i jurisprudence

Corresponding Author: Salem Afsari; **Email:** s.afsari@uok.ac.ir

Received: April 20, 2024; **Accepted:** June 27, 2024; **Published Online:** July 28, 2024

Please cite this article as:

Afsari S., Mahmuodi S K. Analyzing the verdict of voluntary active euthanasia in Shafi'i jurisprudence. Med Fighh Journal. 2024; 16(46): e3.



مجله فقه پزشکی

دوره شانزدهم، شماره چهل و شش، ۱۴۰۳



واکاوی حکم اتانازی فعال داوطلبانه در فقه شافعی

سالم افسری^{۱*}، سید کرم محمودی^۲

۱. استادیار، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، گروه فقه شافعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران.
۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد، گروه فقه شافعی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: سنت و قانون مرگ و زندگی در این جهان به شیوه‌ای است که ممکن است انسان‌ها در طول عمرشان به بیماری‌هایی مبتلا شوند که برای برخی از آن‌ها دارو و درمان وجود داشته باشد؛ ولی برای برخی از آنها که صعب‌العلاج هستند با وجود پیشرفت علم پزشکی دارویی کشف نشود؛ بدین‌خاطر، در برخی از جوامع غربی اشخاص بیماری که از بهبودی ناامید شده‌اند در نتیجه خویشاوند یا پزشک یا پرستار با اجازه بیماران به توهم دلسوزی به کشتن آنان اقدام می‌کنند که این مسئله به اتانازی یا قتل از روی شفقت و دلسوزی مشهور شده است. اتانازی دارای شش نوع است: (۱) اتانازی فعال داوطلبانه؛ (۲) اتانازی فعال غیر داوطلبانه؛ (۳) اتانازی فعال اجباری؛ (۴) اتانازی غیر فعال؛ (۵) اتانازی غیر مستقیم؛ (۶) خودکشی مساعدت‌شده. از آنجایی که بررسی هر کدام از این انواع اتانازی به پژوهش مستقل نیازمند است و با توجه به اینکه اتانازی فعال داوطلبانه جزو مصادیق قتل است، در این پژوهش به بیان دیدگاه‌های فقهی شافعی در مورد حکم و آثار مترتب بر آن از لحاظ ثبوت یا عدم ثبوت قصاص، دیه، کفاره قتل و تعزیر پرداخته شده است.

مواد و روش‌ها: با توجه به اینکه این پژوهش در زمینه علوم انسانی و در حوزه مسائل فقهی به رشته تحریر درآمده است، جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها در آن به روش کتابخانه‌ای و با رویکردی توصیفی - تحلیلی انجام شده است بدین‌شیوه که در ابتدا به توصیف و تبیین مفهوم اتانازی فعال داوطلبانه از منابع و سوابق موثق پرداخته شده و سپس حکم و آثار آن براساس مقررات و آرای مذهب شافعی مورد تحلیل واقع شده است.

نتیجه‌گیری: با جمع‌بندی آرای فقه‌های شافعی و دلیل هریک از دیدگاه‌های آنان در این مورد، آشکار می‌شود که قول اظهر در مذهب شافعی بر سقوط قصاص و دیه در اتانازی فعال داوطلبانه دلالت دارد ولی کفاره قتل و تعزیر را در آن، ثابت می‌دانند.

واژگان کلیدی: اتانازی فعال، داوطلبانه، فقه شافعی

نویسنده مسئول: سالم افسری؛ پست الکترونیک: s.afsari@uok.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۰۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۰۷؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۵/۰۷

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Afsari S., Mahmuodi S K. Analyzing the verdict of voluntary active euthanasia in Shafi'i jurisprudence. Med Fiqh Journal. 2024; 16(46): e3.

مقدمه

دیدگاه‌های فقهی گوناگون‌گونی درباره اتانازی توسط حقوق دانان و فقهای مذاهب اسلامی در عصر حاضر ابراز شده است که بن‌مایه همه این آرا و دیدگاه‌ها به رعایت اخلاق در زمینه حفظ حیات و جان آدمی بر می‌گردد. اگر در گذشته کشتن و تسریع در مرگ یک انسان بدون ملاحظه قرار دادن حالت و اوضاع بیمار جرم تلقی می‌شده است در عصر حاضر، رعایت اصول اخلاق زیستی در زمینه حفظ جان آدمی به‌عنوان یک ضرورت شرعی و یکی از مقاصد دینی به دلیل تغییر نگرش قانون‌گذاران و حتی عموم مردم به یک چالش تبدیل شده است. از سویی دیگر، خداوند متعال امور این دنیا را به شیوه‌ای قرار داده است که ممکن است انسان‌ها در طول عمرشان به بیماری‌هایی مبتلا شوند که برای برخی از آنها دارو و درمان کشف شود؛ ولی برخی از آنها که صعب‌العلاج هستند با وجود پیشرفت در زمینه علم پزشکی برای آنها درمانی کشف نشود؛ بدین‌خاطر، در برخی از کشورهای غربی اشخاص بیماری که از بهبودی ناامید شده‌اند در نتیجه خویشاوند یا پزشک یا پرستار با اجازه بیماران و به توهّم دلسوزی به کشتن آنان اقدام می‌کنند که این مسئله به اتانازی (مرگ آسان)^۱ یا قتل از روی شفقت و دلسوزی مشهور شده است. حال این نوع قتل از لحاظ شرعی، جایز است یا جایز نیست و اگر شخص بیمار به شخص دیگری بگوید: من را بکش یا به پزشک یا پرستار یا خویشاوندش اجازه بدهد که او را بکشند آیا از لحاظ شرعی، قصاص قاتل واجب است یا فقط از مال قاتل دیه گرفته می‌شود و یا اینکه قاتل مرتکب کار حرامی شده است و قصاص و دیه از او ساقط می‌گردد و فقط کفاره قتل بر او واجب است و تعزیر می‌شود محل بحث فقهای مذاهب اسلامی واقع شده است که پژوهش حاضر به بررسی این موضوع و پاسخ‌گویی به جواب این پرسش‌ها با نگاه به قواعد و مقررات مذهب شافعی می‌پردازد. درباره پیشینه موضوع مقاله حاضر باید بیان داشت که تاکنون مقاله‌های متعددی در مورد اتانازی نوشته شده است که به مواردی چند اشاره می‌شود:

۱. عتیقه بلجبل، القتل الرحیم بین الإباحة والتجريم (۲۰۱۸)، الجزائر، مجلة الفكر، العدد السادس، كلية الحقوق و العلوم السياسية، جامعة محمد خيضر، سكرة.
 ۲. حسین خديار، استناد به قاعدة اذن برای مشروعیت اتانازی داوطلبانه فعال (زمستان ۱۳۸۹)، فصلنامه فقه پزشکی، سال دوم و سوم، شماره ۵ و ۶.
 ۳. فاطمه رسکتی؛ غلامحسن دلاور؛ منصور امیرزاده جیر کلی؛ غلامرضا خادمی، موضوع‌شناسی فقهی مراقبت تسکینی در بیماران لاعلاج (۱۴۰۲)، مجلة فقه پزشکی، دوره پانزدهم، شماره چهل و پنجم.
 ۴. بهروز جوانمرد، مفهوم اتانازی و بررسی آن از دیدگاه فقه، حقوق و اخلاق (۱۳۸۸)، فصلنامه حقوق پزشکی، سال سوم، شماره هشتم.
 ۵. زهرا هاشمی؛ سیدمحمد جواد مرتضوی، اتانازی از دیدگاه اسلام و اخلاق پزشکی نوین. (شهریور ۱۳۸۷)، مجلة اخلاق و تاریخ پزشکی، دوره ۱، شماره ۳، صفحات: ۴۴-۳۵.
- همان‌گونه که ملاحظه می‌شود محور عمده‌ی این پژوهش‌ها و دستاوردهای آنها یا ارتباطی با موضوع پژوهش حاضر ندارند یا موضوع اتانازی را با رویکرد قواعد عمومی در فقه اسلامی مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند در حالی که پژوهش حاضر این موضوع را از جهت رویکرد خاص مذهب شافعی بررسی کرده است که از این حیث یک پژوهش اصیل و نوین به شمار می‌آید و می‌تواند به تحقیقات صورت‌گرفته در زمینه حکم اتانازی غنا ببخشد و در حل و فصل پرونده‌های پزشکی مرتبط با موضوع راهگشا باشد.

۲. مواد و روش‌ها

با توجه به اینکه این پژوهش در زمینه علوم انسانی و در حوزه مسائل فقهی به رشته تحریر درآمده است، جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها در آن به روش کتابخانه‌ای و با رویکردی توصیفی - تحلیلی به بیان آرا و دیدگاه‌های فقهای شافعی در این مورد پرداخته است.

1. Euthanasia

۳. یافته‌ها

فقه‌های شافعی به طور صریح به بیان حکم قصاص و دیه و کفاره قتل و تعزیر در اتانازی داوطلبانه نپرداخته‌اند؛ چرا که این مسئله از مسائل مستحدثه و نوین است؛ اما از آنجایی که برخی از فقه‌های شافعی حکم مسئله‌ای را بیان کرده‌اند که با اتانازی داوطلبانه شباهت دارد. پس با قیاس بر آن، حکم اتانازی فعال داوطلبانه در نگاه فقه‌های شافعی در این پژوهش قابل استخراج است؛ بدین‌گونه که برخی از آنان قصاص و دیه را با شبهه اذن ساقط می‌دانند ولی برخی دیگر، به سقوط قصاص و دیه با شبهه اذن معتقد نیستند ولی با توجه به اینکه قصاص و دیه حق مقتول است و حق مقتول با شبهه اذن ساقط می‌شود قول نخست نزد فقه‌های شافعی به‌عنوان قول اظهر به شمار می‌آید؛ اما در مورد کفاره قتل آنان معتقدند که کفاره قتل با شبهه اذن ساقط نمی‌شود؛ چرا که حق‌الله است و شبهه اذن نمی‌تواند در آن تأثیری داشته باشد. همچنین، فقیهان شافعی معتقدند که حاکم اسلامی می‌تواند برای شخص قاتل مجازات تعزیری در نظر بگیرد؛ زیرا مرتکب قتل حرام شده و مؤاخذه اخروی از او ساقط نشده است.

برای تحلیل بهتر موضوع پژوهش حاضر نخست به بیان مفهوم‌شناسی اتانازی سپس به بیان پیشینه آن و بعد از آن به بیان انواع ششگانه اتانازی و در پایان به بیان حکم اتانازی فعال داوطلبانه از نگاه فقه‌های شافعی و آثار مترتب بر آن از جمله ثبوت یا عدم ثبوت قصاص، دیه، کفاره قتل و تعزیر و توارث میان قاتل و مقتول، پرداخته است.

۴. مفهوم‌شناسی اتانازی

کلمه اتانازی یا آتانازی از پیشوند یونانی (eu) و کلمه thanasia مشتق شده است که معنای پیشوند یونانی (eu) عبارت از (خوب و آسان) است و کلمه thanasia به معنای (مرگ) است (۱).

برخی اتانازی را چنین تعریف کرده‌اند: «اتانازی مرگی است که از روی دلسوزی انجام می‌شود و بیماری را که امیدی به بهبودی او نیست از دردهایش خلاص می‌کند». برخی دیگر

آن را چنین تعریف می‌کنند: «سرعت بخشیدن به حصول مرگی است که شخص بیمار را از دردهای بیماری بی‌درمان خلاص می‌کند یا دردهایش را قطع می‌کند» (۲).

ولی در تعریف دقیق آن می‌توان گفت: «اتانازی نوعی از مردن یا کشتن است که از روی رضایت، دلسوزی و شفقت با انتخاب و رضایت شخص بیمار به کمک پزشک یا شخص دیگری از طریق دادن یا ندادن داروهای خاص یا از طریق وسایل و تجهیزات پزشکی و استفاده دارویی خاص، انجام می‌پذیرد» (۳).

۵. پیشینه اتانازی

نخستین شخصی که اصطلاح «Euthanasia: مرگ آسان» را به کار برد، پزشکی فرانسوی به نام باکون در قرن هفده میلادی بود و این اصطلاح به او نسبت داده می‌شود؛ زیرا باکون فرانسوی در کتاب «علاج المریض المیئوس من شفاءهم» می‌گوید: «پزشکان باید بر روی بازگردانی سلامتی بیماران و کم کردن دردهای آنان کار کنند؛ ولی هرگاه پزشکان ببینند که به بهبودی بیماران امیدی نیست، باید مرگی آرام و آسان را برای آنان ترتیب بدهند» (۲).

اتانازی (قتل از روی شفقت) در برخی از جامعه‌های غربی اتفاق افتاده است که مواردی را از آن‌ها در زیر ذکر می‌کنیم:

(۱) در سال ۱۹۱۲ م، در کشور فرانسه مردی زنش را که نیمه‌فلج بود، کشت و هنگامی که از او پرسیدند که چرا او را کشته است در جواب گفت: من به وظیفه انسانی خودم عمل کرده‌ام. در نتیجه دادگاه رأی به تبرئه او صادر کرد (۲).

(۲) در سال ۱۹۱۲ م، مرد جوانی نامزدش را که مبتلا به سرطان بود، کشت و به زعم خودش او را بدین‌خاطر کشته است تا او را از آزارهایش خلاص کند و هنگامی پذیرفت این قتل را انجام بدهد که اراده آن زن ضعیف شده بود، بدین‌خاطر مقدار زیادی مورفین را به نامزدش تزریق کرد آنگاه تپانچه را در دهان نامزدش گذاشت و تیری را به او شلیک کرد در نتیجه نامزدش در آغوشش جان داد و دادگاه او را به خاطر ارتکاب این قتل تبرئه کرد (۲).

۳) شخصی در سال ۱۹۳۰م، مادرش را که مبتلا به سرطان بود، کشت و دادگاه او را تبرئه کرد (۲).

۴) در سال ۱۹۳۲م، پزشکی نامزدش را هنگامی که دانست مبتلا به سرطان بی‌درمان است، کشت و بعد از قتل، جسد نامزدش را کالبدشکافی کرد و دانست که سرطان نامزدش قابل درمان بوده است؛ بدین‌خاطر این پزشک خودکشی کرد و به نامزدش پیوست. بعد از این ماجرا ثابت شد که آن پزشک چهل نفر از بیماران مبتلا به دردهای صعب‌العلاج را کشته است (۲).

۵) در سال ۱۹۶۷م، خانم جاکان شوهرش را که فلج بود، کشت و دلایل این بود که می‌ترسید خودش قبل از شوهرش بمیرد (و کسی نباشد از او پرستاری کند). دادگاه رأی بر این داد که این زن در بیمارستان روانی بستری شود (۲).

۶) در سال ۲۰۰۱م، زن پرستار سوییسی اعتراف کرد که ۲۷ شخص مسن ۷۶ تا ۹۰ ساله را با هدف شفقت و دلسوزی کشته است (۲).

۶. انواع اتانازی

اتانازی شش نوع است:

۶-۱. اتانازی فعال داوطلبانه

در این نوع اتانازی تزریق دارو یا اقدام‌های دیگر منجر به مرگ، عامدانه صورت می‌گیرد که به مرگ بیمار منجر می‌شود؛ اما این عمل براساس تقاضای صریح بیمار و با رضایت کاملاً آگاهانه او انجام می‌پذیرد. در این صورت، قصد و تمایل پزشک و شخص بیمار هر دو در جهت پایان دادن به حیات شخص بیمار، دخالت دارد. در این قسم از اتانازی حصول دو شرط، بسیار مهم است: ۱) خود بیمار، تصمیم این کار را بگیرد. ۲) بیمار دارای درد و رنجی باشد که قابل تحمل نباشد و امیدی به بهبودی نداشته باشد (۳).

۶-۲. اتانازی فعال غیر داوطلبانه

این نوع از اتانازی با تزریق عامدانه دارو یا اقدامات دیگر منجر به مرگ انجام می‌شود با این تفاوت که شخص بیمار در این حالت، شایستگی تصمیم‌گیری ندارد و از لحاظ روانی توانایی

درخواست صریح برای این کار را ندارد. مثلاً شخص بیمار در کماست و معمولاً پزشک یا تیم پزشکی یا کمیته اخلاق پزشکی یا خانواده بیمار و یا قاضی در این نوع اتانازی، تصمیم می‌گیرند (۳).

۶-۳. اتانازی فعال اجباری

در این حالت شخصی بدون رضایت بیمار، تزریق عامدانه دارو یا اقدامات دیگر منجر به مرگ را انجام می‌دهد در حالی که بیمار خودش قدرت تصمیم‌گیری دارد و صراحتاً درخواست این عمل را نکرده است (۳).

۶-۴. اتانازی غیر فعال

این نوع از اتانازی عبارت از عدم شروع درمان یا قطع کردن درمان‌هایی است که برای حفظ زندگانی بیمار لازم هستند. این نوع از اتانازی می‌تواند داوطلبانه (براساس درخواست بیمار) یا غیر داوطلبانه (در حالت عدم صلاحیت بیمار برای تصمیم‌گیری) باشد. این نوع از اتانازی معمولاً به صورت مستقیم مانند تجویز دارو یا هر اقدام دیگری، انجام نمی‌شود. به عبارتی دیگر در «اتانازی غیر فعال داوطلبانه» شخص بیمار درمان خود را رد می‌کند تا مرگش زودتر فرا برسد؛ یعنی شخص بیمار از همان ابتدا از پذیرش درمان سرباز می‌زند؛ اما در «اتانازی غیر فعال غیر داوطلبانه» معمولاً در مورد بیمارهایی به کار می‌رود که شرایط وخیمی دارند و پزشکان نیز مطمئن هستند که درمان او ممکن نیست. در این حالت یا درمان را قطع می‌کنند و بیمار را از مواد غذایی یا دارو محروم می‌کنند و یا اگر بیمار در روند بیماری‌اش دچار عفونتی شود، درمانی برای عفونت او شروع نمی‌شود (۳).

۶-۵. اتانازی غیر مستقیم

در این نوع اتانازی، ضد دردهای مخدر یا داروهای دیگر برای تسکین درد بیمار تجویز می‌شود ولی پیامد غرضی آن، قطع سیستم تنفسی بیمار است (داروهای ضد درد مخدر اگر با دوز بالا تجویز شوند، مرکز تنفسی را مهار می‌کنند) که به مرگ شخص بیمار می‌انجامد. این نوع از اتانازی با قصد عامدانه صورت نمی‌گیرد؛ اما پیامد غرضی آن، مرگ شخص بیمار است (۳).

۶-۶. خودکشی مساعدت شده

در این قسم از اتانازی پزشک یا هر شخص دیگری داروهای مرگ‌آور را برای بیمار، تهیه می‌کند حال آنکه می‌داند قصد بیمار برای استفاده کردن از آن‌ها خودکشی است (۳). هر کدام از این انواع شش‌گانه اتانازی از حیث مفهوم‌شناسی و احکام و آثار مترتب بر آن مستلزم بررسی و تحقیق جداگانه‌ای است که انجام چنین کاری خارج از حوصله این تحقیق است و بیان حکم آن‌ها به تحریر مقالات دیگری، نیاز دارد. بنابراین، در این پژوهش فقط به بررسی نوع اول یعنی اتانازی فعال داوطلبانه پرداخته می‌شود. به سخنی دیگر، از آنجا که اتانازی فعال داوطلبانه از لحاظ سقوط قصاص، دیه، ثبوت کفاره و تعزیر از دیدگاه فقهای شافعیه دارای تفصیل است، پژوهش حاضر به بررسی آن می‌پردازد.

۷. اتانازی فعال داوطلبانه در نگاه فقهای شافعیه

از آنجایی که حکم قصاص و دیه در اتانازی فعال داوطلبانه نزد فقهای شافعیه، محل اختلاف است، سعی بر آن است که در این بخش نخست به بیان دیدگاه‌های فقهای شافعیه پیرامون حکم قصاص در اتانازی فعال داوطلبانه و سپس به احکام و آثار فقهی آن در ارتباط با ثبوت دیه، کفاره و تعزیر در آن پرداخته شود.

۷-۱. حکم قصاص در اتانازی فعال داوطلبانه در نگاه

فقهای شافعیه

فقهای شافعیه به صراحت حکم قصاص در اتانازی فعال داوطلبانه را در کتاب‌های فقهی‌شان ذکر نکرده‌اند؛ زیرا این مسئله از مسائل مستحدثه و نوین است؛ اما می‌توان موضوع اتانازی را بر مسئله‌ای شبیه به آن یعنی اذن شخص مقتول به قتل خود در فقه شافعی تطبیق داد. در این پژوهش براساس آن مسئله، حکم اتانازی فعال داوطلبانه در نگاه فقهای شافعیه بیان شده است. مسئله‌ای که فقهای شافعیه بدان پرداخته‌اند عبارت از این است که شخص مقتول قبل از قتلش به شخصی امر کرده و اجازه داده باشد که او را بکشد. این مسئله در فقه شافعی با این عبارت ذکر شده است: «اگر شخصی آزاده و مکلف (بالغ و عاقل) و دارای اختیار رشید یا سفیهی در ابتدا

بدون قصد شوخی و استهزا به شخص دیگری بگوید: من را بکش و آن شخص او را بکشد» (۵).

در مسئله مورد بحث یعنی اذن مقتول در دوران حیات به قتلش در مذهب شافعی دو طریق ذکر شده است که در ابتدا آن دو دیدگاه را بررسی و سپس حکم اتانازی فعال داوطلبانه را بر مبنای آن تطبیق و تخریق خواهیم کرد.

دیدگاه اول: که ظاهر مذهب امام شافعی است اگر شخص بیمار به شخص دیگری امر کند و اذن بدهد که او را بکشد، قصاص قاتل واجب نیست.

دیدگاه دوم: در این دیدگاه برخی از فقهای شافعیه معتقدند که در وجوب قصاص بر قاتلی که شخص مقتول به او اذن داده است که او را بکشد، دو قول در مذهب امام شافعی وجود دارد: **قول اول:** قصاص در حالت اذن مقتول به قتل خودش، واجب نیست به این دلیل که اذن مقتول در این حالت شبهه است و با وجود شبهه حد قتل ساقط می‌شود.

قول دوم: قصاص قاتل در حالت اذن مقتول به قتل خودش، واجب می‌باشد. دلیل این قول آن است که قتل با اذن شخص مقتول، مباح نمی‌گردد همان‌گونه که اگر زن آزاده‌ای به زنا کردن با مردی راضی باشد، حد زنا از زناکار ساقط نمی‌شود.

از میان دو قول مذکور در این مسئله، قول اظهر فقهای شافعیه راجح به نظر می‌رسد، یعنی قصاص در حالت اذن مقتول به قتل خودش، ساقط می‌شود و استدلال دیدگاه دوم از این جهت مردود است که: قصاص حق مقتول است و با اذن او ساقط می‌شود و در نتیجه اذن در قتل به‌عنوان شبهه دافع حد قصاص، به شمار می‌آید درحالی که حد زنا حق الله است و حق الله با اذن زن، ساقط نمی‌شود و اذن و رضایت در زنا شبهه دافع حد، محسوب نمی‌شود (۳۴-۵).

البته، در قول اظهر مذهب شافعی اذن مقتول به قتل خودش زمانی وجوب قصاص بر قاتل را ساقط می‌کند که شخص مقتول دارای شرایط زیر باشد:

(۱) آزاده باشد؛ (۲) مکلف (بالغ و عاقل) باشد؛ (۳) مختار باشد و در حالت اکراه، به قتل خودش اذن نداده باشد؛ (۴) از روی شوخی و استهزا اذن به قتل خودش را صادر نکرده باشد (۵).

دلیل قول اظهر فقهای شافعیه مبنی بر دفع و اسقاط حد قصاص در قتل با اذن مقتول با تحقق شروط ذکر شده، روایت ترمذی است. در این روایت پیامبر (ص) می‌فرماید: «تا جایی که می‌توانید حدود را از مسلمانان دفع (دور) کنید. بنابراین، اگر راه گریزی را برای شخص مسلمان یافتید دست از سر او بردارید و رهایش کنید؛ زیرا اگر حاکم اسلامی در عفو کردن خطا (اشتباه) کند بهتر از آن است که در کیفر و مجازات، مرتکب خطا شود» (۳۵).

این حدیث با اینکه ضعیف السند است؛ اما به مجموع طرق آن می‌توان استناد کرد که فقها نیز از این جهت به آن استشهد می‌کنند؛ اما ضعف سند حدیث مذکور از این جهت است که یزید بن زیاد دمشقی یکی از راویان این حدیث جزء راویان ضعیف است. ابن حجر در کتاب «التلخیص الحبر فی تخریج أحادیث الرافعی الکبیر» می‌گوید: «در سلسله اسناد این حدیث، یزید بن زیاد دمشقی وجود دارد که ضعیف الحدیث است. بخاری هم در مورد او گفته است: منکر الحدیث است. نسائی هم در مورد او عبارت: متروک الحدیث را به کار برده است. ترمذی می‌گوید: وکیع این حدیث را از یزید بن زیاد دمشقی به صورت موقوف روایت کرده است که این طریق از طریق مرفوع آن، صحیح‌تر است» (۳۶).

دارقطنی در کتاب السنن و حاکم در کتاب المستدرک علی الصحیحین و بیهقی در کتاب السنن الصغیر و خطیب بغدادی در تاریخ بغداد و ابن ابی شیبہ در کتاب المصنّف از طریق یزید بن زیاد دمشقی و ابویعلی در مسند خودش از طریق دیگری این حدیث را روایت کرده‌اند (۳۷-۴۲).

صحیح‌ترین روایت در این باب، حدیث موقوفی است که ثوری آن را از عاصم از ابی وائل روایت می‌کند که در این روایت، عبدالله بن مسعود گفته است: «تا آنجا که می‌توانید حد تازیانه و حد قتل را از مسلمانان دفع کنید» (۴۳).

ابن حجر عسقلانی در کتاب «موافقة الخبر الخبر فی تخریج أحادیث المختصر» این حدیث را از طریق مسدد با لفظ «حد را به وسیله شبهه دفع کنید»، نقل کرده است و آن را به صورت موقوف، حدیث حسن دانسته و گفته است که این

حدیث با این لفظ از طریق ابوهریره به صورت مرفوع روایت شده است (۴۴).

شوکانی در کتاب نیل الأوطار در مورد این حدیث قائل است که ابن حزم در کتاب الاتصال آن را به صورت موقوف از عمر روایت کرده است و ابن حجر عسقلانی درباره آن گفته است: «اسناد آن، صحیح است». ابن ابی شیبہ نیز این حدیث را از طریق ابراهیم نخعی از عمر با این لفظ روایت کرده است: «اشتباه در دور کردن حدود از مسلمانان به وسیله شبهه‌ها نزد من محبوب‌تر از اجرای حدود با شبهه‌ها است». در مسند ابوحنیفه به روایت حارثی از طریق مقسم از عبدالله بن عباس به صورت مرفوع آمده است که: «حدود را به وسیله شبهات (از مسلمانان) دفع و دور کنید». این روایت در کنار روایت پیشین، حدیث باب دفع حدود را تقویت می‌کند و این شایستگی را پیدا می‌کند که در مقام استدلال بر مشروعیت دفع حدود به وسیله شبهه‌های ممکن (نه مطلق شبهه‌ها) بدان استناد شود. همچنین، بیهقی و عبدالرزاق روایت کرده‌اند که عمر مردی را که در سرزمین شام زنا کرده و ادعای جهل به تحریم زنا داشته است، مورد عفو قرار داد. افزون بر آن، از عمر و عثمان روایت شده است که کنیز غیر عربی‌ای را که زنا کرده بود مورد عفو قرار دادند به دلیل اینکه او ادعا کرده که از تحریم زنا آگاه نبوده است (۴۵).

در جمع‌بندی درجه اعتبار حدیث مورد استناد باید گفت که این حدیث، اسنادش حسن است؛ اما در مورد عاصم سخن اندکی وجود دارد که او را از مرتبه حسن الحدیث بودن خارج نمی‌کند. دیگر اینکه طرق این حدیث هرچند که از ضعف یا انقطاع در امان نیستند بلکه برخی از آن طریق‌ها بسیار ضعیف هستند ولی کثرت و فراوانی آن‌ها موجب تقویت سند حدیث می‌شود و مجموع احادیث موقوف و مرفوع در این زمینه می‌تواند قابل استناد باشد (۴۶).

۷-۲. حکم دیه در اتانازی فعال داوطلبانه در نگاه فقهای شافعیه

نزد فقهای شافعیه در مورد دیه در اتانازی فعال داوطلبانه دو قول وجود دارد:

۱) قول اول که قول اظهر فقهای شافعیه است بیانگر این حقیقت است که دیه در اتانازی فعال داوطلبانه به خاطر اذن مقتول به قتل خودش، ثابت نمی‌شود؛ زیرا دیه در آخرین لحظات از زندگانی مقتول برای خود او واجب می‌شود سپس به ورثه او منتقل می‌گردد.

۲) قول دوم که قول ظاهر فقهای شافعیه است معتقد است که دیه در اتانازی فعال داوطلبانه ثابت می‌شود؛ زیرا دیه در ابتدا بعد از مرگ مقتول برای ورثه واجب می‌شود؛ اما این قول از این جهت قابل نقد است که اگر دیه در اتانازی فعال داوطلبانه نخست برای ورثه واجب می‌شد نباید بدهی‌ها و وصیت‌های مقتول از آن پرداخت گردد در حالی که بدهی‌ها و وصیت‌های مقتول از دیه پرداخت می‌شود که این خود بیانگر این است که دیه نخست برای مقتول واجب می‌شود سپس به ورثه منتقل می‌گردد و بنابراین، دیه با شبهه اذن، ساقط می‌شود (۵، ۲۶).

۳-۷. حکم کفاره و تعزیر در اتانازی فعال داوطلبانه در

نگاه فقهای شافعیه

آنچه در مورد قصاص و دیه اتانازی داوطلبانه گفته شد در مورد احکام دنیوی بود؛ اما از لحاظ احکام اخروی، این شخص گناهکار به شمار می‌آید؛ زیرا مرتکب قتل حرام شده است و در قول اظهر فقهای شافعیه به خاطر شبهه اذن، فقط دیه و قصاص ساقط می‌شود؛ اما کفاره قتل بر قاتل در اتانازی فعال داوطلبانه واجب می‌باشد و حاکم اسلامی نیز به خاطر ارتکاب این عمل حرام می‌تواند برای او مجازات تعزیری در نظر بگیرد (۵، ۱۸).

خداوند متعال در سورة نساء آیات ۹۲-۹۳ می‌فرماید: «برای هیچ انسان مؤمنی جایز نیست که شخص مؤمنی را بکشد و کسی که شخص مؤمنی را از روی اشتباه بکشد واجب است یک برده مؤمن را آزاد کند و دیه‌ای به خانواده او پرداخت کند مگر اینکه آنان گذشت کنند. بنابراین، اگر شخص کشته‌شده از قومی باشد که دشمنان شما محسوب می‌شوند ولی او شخص مؤمنی بوده است واجب است قاتل یک برده مؤمن را آزاد کند و اگر شخص کشته‌شده از قومی باشد که میان شما و آنان پیمانی وجود دارد واجب است که دیه‌ای به خانواده او پرداخت کند و یک برده مؤمن را آزاد کند و هرکس که یک برده مؤمن

را نیافت (که آن را در کفاره قتل، آزاد کند) پس دو ماه پیایی روزه بگیرد، این، توبه‌ای از جانب الله متعال است و الله متعال دانای حکیم است (۹۲) و هر کس شخص مؤمنی را عمداً بکشد، مجازاتش جهنم است که جاودانه در آن می‌ماند و الله متعال بر او خشم می‌گیرد و او را از رحمتش دور می‌کند و عذابی بزرگ برای او آماده کرده است».

محل استدلال به این دو آیه شریفه آن است که قتل در اینجا عام است و شامل هر دو حالت اذن و حالت عدم اذن می‌شود و بنابراین، با استناد به این دو آیه، کفاره قتل در اتانازی فعال داوطلبانه ثابت می‌گردد.

دلیل اینکه کفاره با شبهه اذن در اتانازی فعال داوطلبانه ساقط نمی‌شود این است که ثبوت کفاره قتل از جهت حق الله متعال واجب شده است و اذن تأثیری بر ساقط کردن آن نمی‌گذارد (۲۳).

۴-۷. قول راجح

قول اظهر فقهای شافعیه که معتقدند قصاص و دیه در اتانازی فعال داوطلبانه به خاطر شبهه اذن ساقط می‌شود، ولی کفاره قتل در آن واجب است، رأی راجح می‌باشد؛ زیرا کفاره قتل، حق الله است و حق الله با شبهه اذن ساقط نمی‌شود به علاوه اینکه حاکم اسلامی می‌تواند برای شخص قاتل مجازات تعزیری در نظر بگیرد؛ زیرا مرتکب قتل حرام شده است و مؤاخذه اخروی در قبال ارتکاب امر حرام ساقط نشده است.

۸. محروم شدن قاتل وارث در اتانازی فعال داوطلبانه از

ارث

مبحث دیگری که در اینجا حائز اهمیت است که بدان پرداخته شود آن است که در صورت خویشاوند بودن قاتل و لو با رضایت مقتول باشد آیا از نگاه فقهای شافعیه قاتل از ارث‌بری از مقتول، در قتل اتانازی فعال داوطلبانه محروم می‌شود یا خیر؟ فقهای شافعیه در باب محروم شدن قاتل وارث از ارث اقوال زیر را بیان نموده‌اند:

۱) برخی از فقهای شافعیه معتقدند که اگر قتل، مضمون باشد، قاتل از مورثش ارث نمی‌برد؛ زیرا قتل بدون حق است.

ولی اگر قتل، مضمون نباشد، قاتل ارث می‌برد؛ زیرا در این هنگام قتل از روی حق بوده است، بدین خاطر حق ارث‌بری به واسطه آن از بین نمی‌رود (۴۷).

۲) برخی دیگر از فقهای شافعیه معتقدند که اگر قاتل، متهم باشد مانند قاتل مخطیء یا قاتل، حاکم آن منطقه باشد و مورثش را در حق قصاص بکشد، در این هنگام از مورثش ارث نمی‌برد؛ زیرا متهم به این است که مورثش زودتر بمیرد و به او ارث برسد ولی اگر قاتل، متهم نباشد مثل اینکه حاکم منطقه‌ای باشد و مورثش اقرار به زنای محصن بکند در نتیجه مورثش را در اجرای حد مجازات زنای محصن، بکشد، ارث می‌برد؛ زیرا قاتل در این هنگام متهم به تعجیل در مرگ مورثش نمی‌شود تا اینکه وارث او شود (۴۷).

۳) برخی دیگر از فقهای شافعیه معتقدند که قاتل در هیچ حالتی از مورثش ارث نمی‌برد خواه مورثش را عمداً بکشد یا سهواً و خواه آن قتل، مضمون باشد یا غیر مضمون باشد و خواه با واسطه مورثش را بکشد یا بدون واسطه مورثش را بکشد و خواه قصد مصلحت مورثش را داشته باشد یا قصد مصلحتش را نداشته باشد مانند اینکه پدر به خاطر تأدیب فرزندش را بزند و در نتیجه فرزندش به خاطر آن بمیرد و خواه قاتل، مکره باشد یا مکره نباشد. در همه این حالات، قاتل از مورث خود ارث نمی‌برد. این دیدگاه سوم همان قول راجح نزد فقهای شافعیه در این مورد است (۴۸-۴۷). ادله قول راجح فقهای شافعیه در مورد محروم شدن قاتل از ارث‌بری از مورث خود در همه حالات، عبارتند از:

الف) ابن ماجه و غیر او از ابوهریره روایت می‌کنند که پیامبر خدا (ص) فرمود: «قاتل نه از دیه مورثش و نه از ترکه او ارث نمی‌برد». این حدیث هرچند با اسنادی که ترمذی آن را ذکر کرده، ضعیف السند است ولی با مجموع شواهد و طریش به درجه حدیث حسن السند ارتقا پیدا می‌کند و حجت است همان‌گونه که شعیب ارنؤوط آن را در تحقیق سنن ابن ماجه ذکر کرده است (۴۹).

ب) قاتل از ارث‌بری از مورث خودش محروم شده است تا اینکه کشتن مورث خود را وسیله‌ای برای زودتر وارث شدن خود قرار ندهد. پس قاتل به خاطر سد ذریعه کشتن مورث خود برای زودتر رسیدن به ارث وی، از ارث‌بری محروم می‌شود (۴۷).

بنابراین، قول راجح نزد فقهای شافعیه بر آن است که قاتل وارث در اتانازی فعال داوطلبانه از ارث‌بری محروم می‌شود.

۹. نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از پژوهش به شرح زیر است:

- ۱) براساس قول أظهر و راجح در مذهب شافعی، قصاص در اتانازی فعال داوطلبانه به خاطر شبهه اذن ساقط می‌شود.
- ۲) براساس مذهب شافعی دیه در اتانازی فعال داوطلبانه به دلیل شبهه اذن ساقط می‌گردد از این جهت که دیه در آخرین بخش از حیات و زندگانی مقتول برای خود او واجب و ثابت می‌شود و سپس به ورثه منتقل می‌گردد.
- ۳) بنا بر دیدگاه مذهب شافعی کفاره در اتانازی فعال داوطلبانه با شبهه اذن ساقط نمی‌شود به دلیل اینکه کفاره قتل حق الله است و حق الله با شبهه اذن ساقط نمی‌شود.
- ۴) براساس مذهب شافعی حاکم اسلامی می‌تواند برای ارتکاب عمل حرام قتل در اتانازی فعال داوطلبانه مجازات تعزیری تعیین کند.

مشارکت نویسندگان

نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تضاد منافع

هیچ‌گونه تضاد منافع وجود ندارد.

تقدیر و تشکر

ابراز نشده است.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

References

*** Holy Qur'ān

1. Khoda Yar, H. "Argument to the permission rule for the legitimacy of active voluntary euthanasia". Scientific Journal of Medical Jurisprudence Quarterly. 2012(1389). 3 (5-6): 37. [In Persian].
2. bil-Jabal ,A. Euthanasia between permissibility and prohibition. Nd. Np (6): 254-256. [In Arabic].
3. Jawanmard, B. "The concept of euthanasia and its Investigation from the point of view of jurisprudence, law and ethics". Medical Law Quarterly. 2018(1388). 3(8):180-184.[In Persian].
4. Husaynī, T. Kifāyat al-Akhyār fī Ḥall Ghāyat al-Ikhtiṣār. Edited by: Abi Shuja'. Jeddah: Dār al-Minhāj. Nd. 591&592. [In Arabic]
5. Haytamī, A. Tuḥfat al-Muḥtāj Fī Sharḥ al-Minhāj. Cairo: al-Maktabat al-Tijārīyyat al-Kubrā. 1983(1403). 8:448. [In Arabic]
6. Baghawī, H. al-Tahdhīb fī Fiqh Shafī'ī. Beirut: Dār al-Kutub al- 'Ilmiyyat. 1997(1417). 7: 70. [In Arabic]
7. al-Shāshī, M. Ḥīlat al- 'Ulamā fī Ma'rifat Madhāhib al-Fuqahā. Edited by: Dr. Yasin. Jordan: Maktabat al-Risālat al-Ḥadīth. 1988(1409). 7:514. [In Arabic]
8. Nawawī, A. Fatāwā al-Imām al-Nawawī. Edited by: Mohammad Hajar. Beirut: Dār al-Bashā'ir al-Islāmiyyat. 1996(1416). 217. [In Arabic]
9. Juwainī, 'A. Nahāyat al-Maṭlab fī Dirāyat al-Madhhab. Jeddah: Dār Al-Minhāj. 2007(1426). 16:291-293. [In Arabic]
10. Ibn Abd al-Salām, 'I. al-Ghāyat fī Ikhtiṣār al-Nihāyat. Researched by: Iyad khalid al-Ṭaba'. Beirut: Dār al-Nawādir. 2016(1437). 6: 335. [In Arabic]
11. Bulqīnī, S. al-Tadrīb fī al-Fiqh al-Shāfi'ī wa Ma'ahu Tatimat al-Tadrīb. Researched by: Abu Ya'qub Nasha't Ibn Kamal al- Misri. Riyadh: Dār al-Qiblatayn. 2012(1433). 4: 87. [In Arabic]
12. Dimyarī, M. al-Najm al-Wahhāj fī Sharḥ al-Minhāj. Researched by: Hiy'at Ilmiyyat. Jeddah : Dār al-Minhāj. 2004(1425). 8: 345. [In Arabic]
13. 'Imrānī, Y. al-Bayān fī Madhhab al-Imām al-Shāfi'ī. Researched by: Qasim Mohamad al-Nuwry. Jeddah: Dār al-Minhāj. 2000(1421). 11: 356 & 357. [In Arabic]
14. Ibn Qāḍī Shahbat, M. Bidāyat al-Muḥtāj fī Sharḥ al-Minhāj. Jeddah: Dār al-Minhāj. 2011(1431). 4: 19. [In Arabic]
15. Nawawī, M. Rawḍat al-Ṭālibīn Wa 'Umdat al-Mufaṭīn. Beirut: al-Maktab al-Islīmī. 1991(1412). 9:242&243. [In Arabic]
16. Shirbīnī, M. Mughnī al-Muḥtāj Ilā Ma'rifat Alfāz al-Minhāj. Beirut: Dār al-Kutub al- 'Ilmiyyat. 1994(1415). 5:291. [In Arabic]
17. Ghamrāwī, M. al-Sirāj al-Wahhāj 'Alā Matn al-Minhāj. Beirut: Dār al-Ma'rifat. Nd. 493. [In Arabic]
18. Ramlī, M. Nihāyat al-Muḥtāj ilā Sharḥ al-Minhāj. Beirut: Dār al-Fikr. 1984(1404). 7:311. [In Arabic]
19. Shibrāmīlī, A. Ḥāshīyatuh 'alā Nihāyat al-Muḥtāj ilā Sharḥ al-Minhāj. Beirut: Dār al-Fikr. 1984(1404). 7:311. [In Arabic]
20. Shirwānī, 'A. Ḥāshīyatuh 'alā Tuḥfat al-Muḥtāj. Cairo: al-Maktabat al-Tijārīyyat al-Kubrā. 1983(1403). 8:448. [In Arabic]
21. Ibn Qāsim, A. Ḥāshīyatuh 'alā Tuḥfat al-Muḥtāj. Cairo: al-Maktabat al-Tijārīyyat al-Kubrā. 1983(1403). 8:448. [In Arabic]
22. Rashīdī, A. Ḥāshīyatuh 'alā Nihāyat al-Muḥtāj ilā Sharḥ al-Minhāj. Beirut: Dār al-Fikr. 1984(1404). 7:311. [In Arabic]
23. al-Rāfi'ī, A. al-'Azīz Sharḥ al-Wagīz. Research by: Alimohammad Mo'avaz & Adel Ahmad Abd al-Mawjud. Beirut: Dār al-Kutub al- 'Ilmiyyat. 1997(1417). 10: 296 & 297. [In Arabic]
24. Ruyānī, 'A. Baḥr al-Madhhab fī Furū' al-Madhhab al-Shāfi'ī. Beirut: Dār al-Kutub al- 'Ilmiyyat. 2009(1429). 10: 311. [In Arabic]
25. Nawawī, Y. Minhāj al-Ṭālibīn wa 'Umdat al-Mufīn. Beirut: Dār al-Fikr. 2005(1425). 270. [In Arabic]
26. Ibn al-Mulaqqin, S. 'Ijālat al-Muḥtāj Ilā Tujīh al-Minhāj. Jordan: Dār al-Kitāb. 2001(1421). 4: 1507&1508. [In Arabic]
27. Anṣārī, Z. Sharḥ Minhāj al-Ṭullāb. Beirut: Dār al-Fikr lil-Ṭibā'at Wa al-Nashr. Nd. 5:11. [In Arabic]
28. Jamal, S. Futūḥāt al-Wahhāb bi-Tawḍīḥ Sharḥ Minhāj al-Ṭullāb. Beirut: Dār al-Fikr. Nd. 5:11. [In Arabic]
29. Ibn al- 'Arāqī, W. Tahṛīr al-Fatāwā 'alā al-Tanbīh wa al-Minhāj wa al- Ḥawī. Researched by: Abd al-Rahman Fahmy Mohamad al-zawāwy. Jeddah: Dār al-Minhāj. 2011(1431). 3:16. [In Arabic]
30. al-khin M, al-Bughā M, al-Sharbajī A. al-Fiqh al-Manhajī. Damascus: Dār al-Qalam. 1992(1412). 8: 25. [In Arabic]

31. Maḥḥillī, J. Sharḥ al- Maḥḥillī 'Alā Minhāj al-Ṭālibīn. Beirut: Dār al-Fikr. 1995(1415). 4: 103 & 104. [In Arabic]
32. 'Amīrat, A. Ḥāshīyyatuh 'Alā Sharḥ al- Maḥḥillī 'Alā Minhāj al-Ṭālibīn. Beirut: Dār al-Fikr. 1995(1415). 4: 103 & 104. [In Arabic].
33. al-Bujayrimī, S. Ḥāshīyyat al-Bujayrimī 'alā al-Sharḥ Minhāj al- Ṭullāb. Egypt: Maṭba' al-Ḥalabī. 1950(1370). 4:132. [In Arabic]
34. Shāfi'ī, M. al-'Um. Beirut: Dār al-Fikr. 1983 (1403). 6: 44. [In Arabic]
35. Tirmidhī, M. al-Jāmi' al-Khabīr. Researched by: Sho'ayb al-Arnaut & Abd al-Larīf Hirz Allah. Beirut: al-Risālat al- 'Ālamīyyat. 2009(1429). 3:252. [In Arabic]
36. 'Asqalānī, A. al-Talkhīṣ al-Ḥabīr fī Takhrīj Aḥādīth al-Rāfi'ī al-Kabīr. Beirut: Dār al-Kutub al- 'Ilmīyyat. 1989(1410). 4: 161. [In Arabic].
37. Dārquṭnī, 'A. Sunan al- Dārquṭnī. Beirut: al-Risālat. 2004(1424). 4:62. [In Arabic]
38. Ḥākim, M. al-Mustadrak 'Alā al-Ṣaḥīḥayn. Researched by: Mustafa Abd al-Qadīr Ata. Beirut: Dār al-Kutub al- 'Ilmīyyat. 1990(1411). 4:426. [In Arabic]
39. Biyhaqī, A. Al-Sunan al-Ṣaghīr. Beirut: al-Kutub al- 'Ilmīyyat. 1992(1413). 2:252. [In Arabic]
40. al-Baghdādī, A. Tārīkh Baghdād. Beirut: Dār al-Gharb al-Islāmī. 2002(1422). 3: 282. [In Arabic]
41. Ibn Abī Shaybat, A. al-Kitāb al-Muṣannaf Fī al-Aḥādīth Wa al-Akḥbār. Researched by: Sa'd ibn Nasir al-Shathri. Riyadh: Dār al-Kunūz. 2015(1434). 15:426. [In Arabic]
42. Abū Ya' lā, A. Musnad Abī Ya' lā. Researched by: Hosayn Salym Asad. Damascus: Dār al-Ma'mūn. 1984(1404). 11: 494. [In Arabic]
43. al-Biyhaqī, A. Ma'rifat al-Sunan wa al- Āthār. Damascus: Ḥalab. 1991(1412). 12: 328. [In Arabic]
44. 'Asqalānī, A. Muwāfiqat al-Khabarī al-Khabar fī Takhrīj Aḥādīth al-Mukhtaṣar. Riyadh: al-Rushd. 1993(1414). 1: 442. [In Arabic]
45. Shukānī, M. Nayl al-'Awṭār min Asrār Muntaqā al-al-Akḥbār. Researched by: Esam al-Dyn al-Sababty. Egypt: Dār al-Ḥadīth. 1993. 7: 125. [In Arabic]
46. 'Asqalānī, A. al-Maṭālib al- 'Ālīyyat bi-Zawā'id al-Masānīd al-Thamānīyyat. Riyadh: Dār al- 'Āṣimat. 1998(1420). 9: 58. [In Arabic]
47. Shīrāzī, A. al-Muhadhdhab Fī Fiqh al-'Imām al-Shāfi'ī. Beirut: Dār al-Kutub al- 'Ilmīyyat. Nd. 2:407. [In Arabic]
48. Shirbīnī, al-'Iqnā' Fī Ḥall 'Alfāz Abī Shujā'. Beirut: Dār al-Fikr. Nd. 2:384. [In Arabic]
49. Ibn Mājah, A. Sunan Ibn Mājah. Researched by: Sho'ayb al-Arnaut, Adel Morshed, et al. Beirut: Dār al-Risālat al- 'Ālamīyyat. 2009(1429). 3:662. [In Arabic]